

تأثیر انواع تسهیلات اعتباری بر اشتغال تعاونی‌های صنعتی کشور

حمید سپهر دوست^۱

صابر زمانی شبخانه^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۲۵

چکیده

تأثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی بر روی سطح اشتغال بسیارند و اعطای تسهیلات اعتباری یکی از مهم‌ترین آنهاست که نظر سیاست‌گذاران اقتصادی را به چگونگی به کارگیری آن معطوف نموده است. هدف از این مطالعه، بررسی اثر تسهیلات خدمات فنی و اعتباری و تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین بر اشتغال تعاونی‌های صنعتی کشور است. برای این منظور، از تابع تولید با کشش جانشینی ثابت و تحلیل رگرسیون پانل دیتا برای بررسی رابطه بین تسهیلات اعتباری و اشتغال تعاونی‌های صنعتی ۳۰ استان کشور طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۹ استفاده شد. نتایج نشان داد که به طور کلی سیاست اعطای تسهیلات اعتباری طی دوره مورد مطالعه، اثر معناداری بر اشتغال داشته است. البته ضریب کشش اشتغال نسبت به تسهیلات خدمات فنی و اعتباری برابر ۰/۱ و نسبت به تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین برابر ۰/۰۵ به دست آمد که در مقایسه بیانگر اثر بیشتر تسهیلات خدمات فنی و اعتباری بر روی اشتغال در تعاونی‌های صنعتی کشور نسبت به اعطای تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین طی دوره مورد مطالعه است.

واژگان کلیدی: اشتغال، تعاون، تسهیلات اعتباری، صنعت

طبقه‌بندی JEL: E24, E62

-
۱. دانشیار و عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول)
hamidbasu1340@gmail.com
 ۲. کارشناس ارشد اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا
zamanisaber@gmail.com

۱- مقدمه

با افزایش نرخ رشد جمعیت بخصوص جمعیت شهری کشور در دهه ۱۳۷۰، مساله بیکاری در بین جمعیت جوان و فعال کشور به یکی از مسائل و مشکلات عمده در ابعاد اقتصادی-اجتماعی آن تبدیل شد. بر اساس آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، از سال ۱۳۵۵ کشور نرخ بیکاری دو رقمی را تجربه می‌کند و این رقم در سال ۱۳۸۹ به ۱۳/۵ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹). با توجه به رشد جمعیت که طی سه دهه گذشته بیش از دو برابر شده و تقریباً به ۷۵ میلیون نفر رسیده است، تأمین اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان اقتصادی تبدیل شده و محوریت توسعه برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی را به خود اختصاص داده است (طیبهی و همکاران، ۱۳۸۹).

در این راستا چنانچه بخواهیم به تقویت بنگاه‌های اقتصادی موجود و همچنین نوبنیاد جهت حمایت از برنامه‌های اشتغال‌زایی بپردازیم، دخالت دولت در اعطای وام و تسهیلات اعتباری به عنوان یکی از ابزارهای سیاست مالی به بنگاه‌های اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. به طوری که امروزه اجرای سیاست‌های تأمین مالی واحدهای تولیدی موجود و بنگاه‌های زود بازده چه از دیدگاه سرمایه در گردش و چه از دیدگاه توسعه فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های جدید از مهمترین مباحث مدیریت نظام اقتصادی کشور محسوب می‌گردد (بختیاری و پاسبان، ۱۳۸۳). البته کارآیی نظام پولی و مالی کشور و نحوه مدیریت مالی واحدهای اقتصادی موجود، شرط لازم و کافی برای دستیابی به آثار مثبت اقتصادی در بخش اعطای اعتبارات و مصرف آن است، زیرا تسهیلات اعتباری به طور مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت واحدهای تولیدی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید تأثیر می‌گذارد و نقش اساسی در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی بخصوص تعاونی‌ها ایفاء می‌کند (طیبهی و همکاران، ۱۳۸۹). تعاون به معنای همکاری است و تعاریف بسیاری از این مفهوم در کتب و نوشته‌ها وجود دارد. به عنوان اولین محقق در این زمینه، امیلیانف^۱ پس از بررسی عملکرد تعاونی‌ها در سال ۱۹۴۲ بیان نمود از آنجایی که تعاونی‌ها یک واحد انتفاعی نبوده و فاقد سود یا زیان هستند، لذا نمی‌توانند یک بنگاه اقتصادی به شمار آیند و بنابراین نمی‌توان برای آن تابع هدف و رفتار ویژه اقتصادی تعریف نمود (آماده و کوهپایی، ۱۳۸۰).

همچنین فایربارین^۲ معتقد است که شرکت‌های تعاونی مؤسساتی برای ارائه خدمات اقتصادی به اعضای خود هستند؛ این شرکت‌ها، ساختاری مستقل و بی‌نیاز دارند و توسط افراد و از طریق مشارکت و کار گروهی ایجاد می‌شوند تا با مشکلات اجتماعی رو به رو شوند و یا بازار خاصی را در دست گیرند (فایربارین، ۱۳۸۸).

1. Emelianoff

2. Fairbarin

بر اساس تعریف وزارت تعاون (۱۳۹۰) نیز، یک تعاونی شرکتی است که با حداقل ۷ نفر عضو حقیقی یا حقوقی غیر دولتی به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خودیاری و کمک متقابل آنان بر اساس قانون بخش تعاون برای انجام یک یا چند فعالیت اقتصادی تشکیل و ثبت می‌شود. بر اساس این تعریف، تعاونی‌های صنعتی تعاونی‌هایی هستند که با بهره‌گیری از سرمایه و نیروی کار و تخصص اعضا بر اساس موضوع فعالیت مندرج در اساسنامه اجرایی، در رشته‌های مختلف صنعت فعالیت می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹).

از دیدگاه اونیوره (۱۳۴۹)، تعاون به شکل رسمی آن با تلاش افرادی نظیر ویلیام کینگ^۱ و رابرت اون^۲ از انگلستان، چارلز فوریر^۳ و سن سیمون^۴ از فرانسه و همچنین ریفایزن^۵ از آلمان در واکنش به نابسامانی‌های نظام سرمایه‌داری شکل گرفت. از طرفی این گونه بیان می‌گردد که نخستین تلاش‌ها برای تشکیل تعاونی‌های مدرن در استرالیا انجام گرفت؛ به طوری که در اوایل دهه دوم قرن نوزدهم با ورود مهاجران آزاد به کشور استرالیا، تعاونی‌های گوناگون تولید و خرده فروشی، مشابه اولین موج تعاونی‌ها در بریتانیا، راه اندازی شدند (وزارت تعاون، ۱۳۹۰).

در ایران نیز برای نخستین بار در خرداد ۱۳۰۴ شمسی و در ماده ۱۰۷ از فصل دهم قانون تجارت، از شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف نام برده شد و در مواد ۱۰۸ تا ۱۱۲ همین قانون، تعریف، هدف و چگونگی ایجاد و اداره شرکت‌های تعاونی شرح داده شد. در حال حاضر بخش تعاون به دلیل جایگاه قانونی آن در قانون اساسی (اصل ۴۴) و تأکید برنامه پنجم توسعه بر نقش توسعه تعاونی‌ها در کنار بخش خصوصی و دولتی نقش مهمی در اشتغال‌زایی و کاهش فقر دارد؛ به طوری که با توجه به رویکرد فعلی سیاست‌گذاری اقتصادی در راستای سند چشم‌انداز کشور، تقویت انواع تعاونی‌ها یکی از راه‌های جذب سرمایه‌های خرد در جهت ایجاد ارزش افزوده، اشتغال و رشد اقتصادی است (نجفی، ۱۳۸۸).

البته بخش تعاون هنوز نتوانسته به جایگاه واقعی خود برسد و در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، سهم ناچیزی از گستره فعالیتی را به خود اختصاص می‌دهد (رستم نژاد، ۱۳۸۴). این در حالی است که تعاونی‌ها در بسیاری از کشورها، منشأ ارائه خدمات در صحنه‌های تجاری بوده و از این طریق موجب جذب مشارکت افراد جدید در فعالیت‌های اقتصادی شده است (صبغ کرمانی و عاقلی، ۲۰۰۵).

آنچه مسلم است، انواع گوناگون تعاونی‌ها از طریق فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی تجاری خود، علاوه بر

1. William King
2. Robert Owen
3. Charles Fourier
4. Saint Simon
5. Raiffeisen

آنکه در سطح خرد و بنگاهی کارآفرین و درآمدزا هستند، در سطح کلان و صنعتی نیز قابلیت تبدیل شدن به بنگاه‌های بزرگ اقتصادی متکی بر بازار در امر تولید، توزیع و خدمات را دارند. به همین دلیل است که بخش تعاون به عنوان یکی از سه بخش اصلی فعالیتی در اقتصاد کشور مطرح شده و اجرای سیاست‌های حمایتی از این تشکیلات عمدتاً نوپا نظیر اعطای تسهیلات اعتباری ضروری به نظر می‌رسد. اما باید توجه داشت که ارائه هر نوع کمک یا اعطای تسهیلات باید بر مبنای اصول پذیرفته شده حمایت از تعاونی‌ها، طراحی و اجرا شود تا شرکت‌های تعاونی، بخصوص تعاونی‌های تولیدی را در دستیابی به مزیت‌های رقابتی برای حضور قدرتمندتر در بازارهای رقابتی داخل و خارج کمک نماید (ناظمی و همکاران، ۱۳۸۸). اگرچه مطالعات نظری و تجربی بسیاری در ارتباط با اثر تسهیلات اعتباری در بخش‌های اقتصادی بر روی اشتغال صورت پذیرفته، اما در ارتباط با تخصیص بهینه منابع اعتباری و همچنین اثر اعطای تسهیلات بر اشتغال در بخش تعاونی‌های صنعتی کشور، مطالعات کمتری انجام شده است.

در راستای ضرورت تخصیص بهینه منابع و توسعه بخش تعاون بر اساس سند چشم‌انداز اقتصادی کشور، هدف از این مطالعه در ابتدا بررسی نقش تسهیلات اعتباری به عنوان یکی از ابزارهای سیاست مالی دولت در میزان اشتغال‌زایی و سپس مقایسه تأثیر انواع تسهیلات اعتباری شامل تسهیلات خدمات فنی و اعتباری و تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین بر روی اشتغال تعاونی‌های صنعتی کشور طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۹ است.

۲- مبانی نظری

در فرایند تولید کالا و خدمات، از ترکیب بهینه نهاده‌های تولید شامل نیروی کار ماهر و نیمه ماهر و همچنین سرمایه به صورت نقدینگی، ماشین‌آلات و تجهیزات و فناوری استفاده می‌شود. این دو عامل مهم تولید وابستگی زیادی به یکدیگر دارند و در عمده موارد تا حد زیادی مکمل هم بوده و از درجه جانشینی کامل پایینی برخوردارند. هرگونه افزایش و یا کاهش میزان اشتغال در نتیجه تغییرات در حجم سرمایه به برآیند این دو نیروی متضاد، یعنی اثر جانشینی و اثر مکملی بستگی دارد و بنگاه‌های اقتصادی همواره از اتخاذ راهبرد امکان جانشینی این دو نهاده در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری، افزایش کمی و کیفی محصول و کاهش در هزینه‌های تولید بهره می‌برند.

در جوامع صنعتی متکی بر بازار با ویژگی‌های تولید انبوه کالا و خدمات مصرفی و سرمایه‌ای، وجود عامل سرمایه در کنار نیروی انسانی به عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر ایجاد تسهیل در عملکرد اقتصاد، اشتغال نیروی انسانی و تولید کسب و کار جدید محسوب می‌گردد (Dudley and Hubbard, 2004). همچنین در ادبیات اقتصاد تولید و در بین انواع متفاوت نهاده به وجود سرمایه

از نوع تسهیلات اعتباری اشاره می‌شود. از آنجایی که در فرایند تولید از اعتبارات برای تأمین نهاده‌های مختلف تولیدی مانند استخدام نیروی کار، خرید تجهیزات و ماشین‌آلات، خرید امتیاز دانش تولید، خرید مواد اولیه و تبلیغات استفاده می‌شود، بنابراین در طرف تقاضا و رشد و توسعه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در طرف عرضه نیز باید اشاره نمود که اعطای تسهیلات از فعالیت‌های مهم هر بانک و مؤسسه مالی محسوب می‌شود. این گونه مؤسسات با انجام مبادلات پولی-مالی و اعطای وام و اعتبارات، امکان انتقال منابع مالی از شخصی به شخص دیگر را فراهم آورده و در نهایت موجب تسهیل در فعالیت‌های اقتصادی، تأمین منابع، افزایش سرمایه‌گذاری و تولید و فروش کالا و خدمات می‌شوند (سعیدی، ۱۳۸۸).

در ارتباط با چگونگی تأثیر تولید متوسط نیروی کار بر اشتغال، لازم است به تابع تقاضای نیروی کار و الگوی کارگران داخل گود-خارج گود توجه شود. در این مدل دو گروه کارگران بالقوه وجود دارند. کارگران داخل گود آنهایی هستند که در زمان چانه زنی به طور مستقیم با بنگاه ارتباط دارند و لذا منافع آنان در قرارداد در نظر گرفته می‌شود. کارگران خارج گود آنهایی هستند که به طور مستقیم ارتباطی با بنگاه نداشته و ممکن است استخدام بنگاه بشوند یا نشوند.

در این رابطه اسوالد (Oswald, 1993) معتقد است که بنگاه‌های اقتصادی در بازار عوامل تولید در طرف تقاضا، با دو چالش مهم مواجه هستند: چالش اول، مربوط به تصمیم‌گیری در مورد استخدام نیروی کار و کارگران داخل گود است زیرا این گروه از کارگران همواره استخدام هستند. چالش دوم، مربوط به تصمیم‌گیری در مورد سطح دستمزدهای پرداختی به کارگران خارج از گود است که مستقل نبوده و با توجه به سطح دستمزدهای پرداختی به کارگران داخل گود تعیین می‌شود. بنابراین سطوح متفاوت دستمزدها برای دو گروه کارگران داخل و خارج از گود از چسبندگی قابل ملاحظه برخوردار بوده و از نظر میزان هزینه بر روی آنها تفاوت ناچیزی با یکدیگر دارند.

همچنین گاتفرایز (Gottfries, 1992) عقیده دارد که در الگوی کارگران داخل گود - خارج گود، تقاضای کار به گونه‌ای انتخاب می‌شود که بازده نهایی نیروی کار با مزد پرداختی برابر شود، زیرا کارگران خارج از گود در چانه زنی اولیه دخالتی نداشته و جهت حداکثر کردن سود بنگاه اقتصادی، لازم است که مزد پرداختی با بازده نهایی نیروی کار برابر شود. بنابراین انتظار می‌رود که با افزایش بهره‌وری نیروی کار کارگران داخل گود و با توجه به چسبندگی دستمزد و تفاوت اندک مزد کارگران داخل و خارج از گود، تمایل بنگاه اقتصادی برای استخدام نیروی کار کارگران خارج از گود کاهش یابد. یعنی ارتباط بین تولید متوسط نیروی کار و میزان اشتغال به شکل معکوس درآید.

در این راستا، دستمزد پرداختی از جمله دیگر عوامل مؤثر بر سطح اشتغال کارکنان، ساز و کاری

مناسب جهت ایجاد تعادل در بازار کار به شمار می‌آید که در صورت عدم انعطاف‌پذیری به دلیل اطلاعات ناقص و یا چسبندگی قیمت‌ها موجبات افزایش بیکاری به دنبال شوک‌های وارد شده بر بازار را فراهم می‌آورد (ازوجی و امینی، ۱۳۸۷).

در مکتب کلاسیک، فرض وجود اطلاعات کامل و عدم توهم پولی، باعث می‌شود تا با تغییر در دستمزد حقیقی، تغییری در اشتغال در بازار کار به وجود نیاید، در حالی که در مکتب کینزی افراطی، فرض وجود توهم کامل پولی و چسبندگی دستمزدها باعث می‌گردد که تغییر دستمزد حقیقی، سطح اشتغال را از سطح بالقوه آن خارج سازد. بنابراین اگر مدل افراطی کلاسیکی مد نظر قرار نگیرد، انتظار می‌رود که رابطه بین دستمزد و اشتغال به شکل منفی باشد. در این بین بنگاه‌های بزرگ از طریق ارتقاء بهره‌وری، جابه‌جایی نیروی کار و برخورداری از صرفه‌های ناشی از مقیاس و بنگاه‌های کوچک از طریق به کارگیری نیروی کار نیمه ماهر و کارآفرینی، در ایجاد شغل جدید مؤثرند. از آنجایی که روح کارآفرینی با خلق شغل‌های جدید سازگاری بیشتری دارد، بنابراین اجرای سیاست‌های حمایتی از فعالیت بنگاه‌های زود بازده با اهداف اشتغال‌زایی و توزیع مناسب تر درآمد دارای اهمیت است (طیبی و همکاران، ۱۳۸۹).

اعطای اعتبار و وام نیز به طور مستقیم و غیر مستقیم بر اشتغال واحدهای تولیدی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید تأثیر می‌گذارند. در کوتاه‌مدت تزریق وام و اعتبار به صورت سرمایه در گردش در جریان تولید کالا و خدمات به دلیل ثابت بودن حجم سرمایه، باعث افزایش سطح اشتغال و در بلند مدت با تبدیل جریان وام و اعتبار به سرمایه ثابت تغییرات تکنولوژیکی پدید می‌آید. در صورتی که تغییرات تکنولوژیکی خنثی باشد، یعنی اینکه در نسبت نهاده سرمایه به کار تغییری ایجاد نشود، اشتغال ثابت باقی می‌ماند و برعکس اگر فناوری غیر خنثی باشد، تغییر در نسبت نهاده سرمایه به کار باعث تغییر در اشتغال می‌شود. بنابراین در بعد نظری، از جمله آثار مثبت به کارگیری صحیح و بهینه جریان وام و اعتبار، می‌تواند افزایش در سرمایه‌گذاری، تولید، درآمد و اشتغال باشد.

البته کارآیی نظام پولی و مالی کشور و نحوه مدیریت مالی واحدهای اقتصادی موجود شرط لازم و کافی برای دستیابی به این آثار مثبت اقتصادی است که در صورت نبود کارآیی در این فرایند، چه در بخش اعطای اعتبارات و چه در بخش مصارف، اعتبارات ممکن است نه تنها اثرات مطلوب و مورد انتظار را به همراه نیاورد بلکه آثار منفی نیز به دنبال داشته باشد (بختیاری و پاسبان، ۱۳۸۳).

بر اساس مبانی نظری ذکر شده، به طور کلی اشتغال در یک بخش اقتصادی را می‌توان تابعی از عوامل مؤثر به صورت رابطه (۱) در نظر گرفت.

$$L = F (K , W , APL , CR) \quad (1)$$

که در آن، L بیانگر میزان اشتغال، K بیانگر حجم سرمایه مورد نیاز، W بیانگر دستمزد، APL

نشانگر تولید متوسط نیروی کار و CR مقدار تسهیلات اعتباری لازم برای تأمین منابع و سایر هزینه‌های بنگاهی است. البته رابطه (۱) فقط به تعدادی از متغیرهای مهم اثر گذار بر اشتغال اشاره دارد.

۳- مطالعات تجربی

به دلیل اهمیت موضوع اشتغال و نقش قابل توجه تسهیلات اعتباری به عنوان یکی از مهمترین ابزار سیاست مالی دولت در اشتغال‌زایی عوامل تولید، مطالعات فراوانی در داخل و خارج از کشور صورت پذیرفته است.

بختیاری و پاسبان (۱۳۸۳) با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۴۹ تا ۱۳۷۹، به بررسی رابطه بین اعتبارات بانکی و توسعه فرصت‌های شغلی پرداخته و نتیجه گرفته اند که اعتبارات بانک کشاورزی در کوتاه مدت بر سطح اشتغال و در دراز مدت بر میزان سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد. بنابراین در کوتاه مدت می‌توان با به کارگیری نظام اعتباری مناسب، فرصت‌های شغلی ایجاد نمود.

حسن‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) با استفاده از روش پانل دیتا برای سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۲ و اطلاعات ۲۸ استان کشور، نشان دادند که به شرط شناسایی طبقات گوناگون فقر، اعطای تسهیلات اعتباری، عاملی مؤثر در ایجاد اشتغال و در نتیجه کاهش فقر و نابرابری درآمدی خواهد بود.

یعقوبی (۱۳۸۴) در یک مطالعه پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه، ضمن تحلیل همبستگی بین اشتغال و چند متغیر مستقل، نشان داد که میزان وام‌های دریافتی تأثیر بسیاری بر ایجاد فرصت‌های شغلی دارد. شیرین بخش (۱۳۸۴) در مطالعه خود به بررسی تأثیر متغیرهای عرضه پول، نرخ ارز و اعتبارات بانکی بر سرمایه‌گذاری و اشتغال با استفاده از الگوی خود بازگشت برداری^۱ پرداخت. پس از برآورد الگو مشخص شد که در مقایسه با سایر متغیرها، اعتبارات اعطایی و نرخ ارز ارتباط کمتری با متغیرهای اشتغال و سرمایه‌گذاری دارند.

همچنین فیض آبادی و همکاران (۱۳۸۸)، در مطالعه خود به این نتیجه‌گیری مهم اشاره می‌کنند که به منظور ایجاد اشتغال پایدار، ارتقای سهم اقتصاد تعاونی در تولید ناخالص ملی و گسترش نقش مؤثر بخش تعاون در سطوح عالی تصمیم‌گیری اقتصادی کشور بسیار حیاتی به نظر می‌رسد.

موسوی و همکاران (۱۳۹۰) نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای و تکمیل ۹۵ پرسشنامه توسط اعضاء و ۱۲ پرسشنامه توسط مدیران، نشان دادند که وام‌های اعطایی به تعاونی‌های دامداران تأثیر بسیاری بر اشتغال و تنوع تولیدی در این بخش دارد.

در بین مطالعات خارجی مرتبط با موضوع، برگس و پاند (Burgess and Pande, 2002) اثر افزایش شعبه‌های تازه تأسیس (۵۰ هزار شعبه) توسط بانک مرکزی بر روی سطح اشتغال در مناطق روستایی هند طی سال‌های ۱۹۶۱ الی ۲۰۰۰ را بررسی کردند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که

تأسیس این شعبه‌ها و به دنبال آن افزایش میزان اعتبارات اعطایی موجب تغییر ساختار تولید، بهبود وضعیت اشتغال و در نهایت کاهش فقر و نابرابری در مناطق روستایی شده است.

براون و همکاران (Brown et al., 2005) با استفاده از داده‌های ۲۹۷ بنگاه اقتصادی خصوصی تازه تأسیس در کشور رومانی طی سال‌های ۱۹۹۴ الی ۲۰۰۱ و با به کارگیری روش پانل دیتا، دریافتند که اعتبارات مهمترین عامل در تشویق و راه اندازی بنگاه‌های کوچک بوده و نقش قابل توجهی در اشتغال و میزان فروش این بنگاه‌ها دارد.

پانیکو و همکاران (Paniko et al., 2008) با استفاده از روش پانل دیتا طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ به بررسی رابطه بین اعتبارات بانکی و اشتغال و رشد ارزش افزوده تعداد زیادی از بنگاه‌های اقتصادی چین پرداخته و نتیجه گرفتند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین میزان اعطای تسهیلات اعتباری و اشتغال در بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد. همچنین نشان دادند که بین میزان دسترسی بنگاه‌ها به بانک‌های وام دهنده و رشد سریع بنگاه اقتصادی همبستگی معنی‌دار مشاهده می‌گردد.

گاگلیاردی (Gogliardi, 2009) در مطالعه خود با عنوان "بازار مالی توسعه یافته و رشد بنگاه‌های تولیدی" نشان داد که بانکداری توسعه یافته عاملی تعیین کننده در رشد بنگاه‌ها و فراهم آوری فرصت‌های شغلی است. این تحقیق با روش پانل دیتا برای کشور ایتالیا طی سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۵ انجام شده است. همچنین مشخص گردید که بازارهای اعتباری توسعه یافته، باعث افزایش نرخ رشد بنگاه‌ها می‌شود و اثر بازارهای مالی توسعه یافته بر روی بخش تعاونی بیشتر از اثر آن بر روی بنگاه‌های غیر تعاونی است.

سانتاماریا و همکاران (Santamaria et al., 2010) با مطالعه بر روی ۲۷۹۰ پروژه پیشنهاد شده طی سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۳ و در قالب تعاونی‌های تحقیق و توسعه در اسپانیا دریافتند که:

- ۱- پروژه‌هایی در اولویت انتخاب هستند که احتمال تأمین مالی آنها از طریق اعطای اعتبارات یا یارانه بالاست.
- ۲- بنگاه‌ها در انتخاب هر کدام از ابزارهای تأمین مالی با توجه به اهداف و ویژگی‌های خود متفاوت عمل می‌کنند.
- ۳- بخش‌های سنتی تعاونی بیشتر از یارانه و بخش‌های مدرن بیشتر از اعتبارات استفاده می‌کنند. در این مطالعه پیشنهاد شده است جهت دستیابی به اهداف کلان اقتصادی، چگونگی اعطای اعتبارات مورد بازنگری قرار گیرد.

تواچوت (Thuvachote, 2011) در مقاله ای با عنوان "تعاونی‌ها و کاهش فقر در تایلند" با استفاده از داده‌های ۴۰ سال مربوط به دو بخش کشاورزی و صنعتی تایلند نشان داد که توسعه بخش تعاون از طریق ایجاد اشتغال می‌تواند منجر به کاهش فقر و نابرابری درآمدی شود؛ بخصوص زمانی که این بخش از اعتبارات اعطایی بهره‌مند گردد. این مطالعه با استفاده از روش سری زمانی و داده‌های سال‌های ۱۹۷۰ الی ۲۰۰۹ انجام شده است.

همچنین گابرت و روباد (Gubert and Roubaud, 2011) به بررسی اثرات اعتبارات خرد بر بنگاه‌های کوچک اقتصادی در ماداگاسکار طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۴ پرداختند و با به کارگیری روش پانل دیتا نشان دادند که اعتبارات اعطایی خرد بر اشتغال بنگاه‌های کوچک اقتصادی در کشور ماداگاسکار تأثیر ناچیزی داشته و بر سودآوری و افزایش قیمت سهام این بنگاه‌ها در بازار تأثیر قابل توجهی داشته است.

با توجه به مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع و کسب نتایج گوناگون، هدف از این مطالعه، بررسی اثر اعطای تسهیلات اعتباری و انواع آن شامل تسهیلات خدمات فنی و اعتباری و تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین تحت پوشش تعاونی‌های صنعتی کشور بر اشتغال در این بخش طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۹ است.

۴- روش تحقیق

در مطالعه حاضر از بین انواع تسهیلات اعتباری اعطا شده، دو نوع تسهیلات اعتباری، یعنی تسهیلات خدمات فنی و اعتباری و تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین تحت پوشش تعاونی‌های صنعتی انتخاب شدند که از لحاظ مبانی نظری بر اشتغال بخش تعاونی صنعتی مؤثرند. مجموع این دو نوع تسهیلات، کل تسهیلات اعتباری را تشکیل داده است. تسهیلاتی نظیر تسهیلات بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین به شکلی مستقیم بر اشتغال تأثیرگذار است زیرا این نوع تسهیلات هنگامی اعطاء می‌شود که یک ایده کارآفرینی شکل گرفته و برای شروع نیاز به منابع مالی و نیروی کار وجود دارد. در واقع هدف اصلی از اعطای این نوع تسهیلات ایجاد اشتغال و افزایش توان یک بنگاه اقتصادی در جهت ایجاد کسب و کار جدید و گسترش آن است. نوع دیگر تسهیلات اعتباری که در این مطالعه بررسی می‌شود، تسهیلات خدمات فنی و اعتباری است که به شکلی غیر مستقیم بر اشتغال تأثیرگذار است. هدف اصلی از این نوع تسهیلات به طور مستقیم و فوری ایجاد اشتغال نیست و از شروط اعطای این نوع تسهیلات، ایجاد اشتغال جدید نمی‌باشد، بلکه این نوع اعتبارات برای خرید و یا تعمیر ماشین آلات مورد نیاز پرداخت می‌شود. میزان این نوع تسهیلات در قیاس با تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین بسیار محدود است.

در این مطالعه توصیفی-تحلیلی جهت نشان دادن رابطه بین تسهیلات اعتباری و انواع آن بر روی اشتغال تعاونی‌های صنعتی از داده‌های ۳۰ استان کشور طی سال‌های ۸۹-۱۳۸۵ استفاده شد. منظور از تسهیلات اعتباری به عنوان متغیر اصلی و تأثیرگذار، کلیه وجوهی است که از طریق سیستم بانکی، صندوق توسعه تعاون و یا از هر طریق ممکن دیگر، توسط بخش تعاون دریافت شده و شامل دو نوع تسهیلات خدمات فنی و اعتباری و تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین تحت

پوشش تعاونی‌های صنعتی می‌شود.

سایر متغیرهای مستقل شامل حجم سرمایه، دستمزد و تولید متوسط نیروی کار است که ایده انتخاب این متغیرها برگرفته از تئوری‌های اقتصادی مطرح شده نظیر الگوی کارگران داخل گود - خارج گود توسط براون و همکاران (Brown et al., 2005)، پانیکو و همکاران (Paniko et al., 2008)، برگس و پاند (Burgess and Pande, 2002)، بختیاری و پاسبان (۱۳۸۳)، طیبی و همکاران (۱۳۸۹) است که در مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی توضیح داده شد.

در این مطالعه، دو مدل تصریح شده است: در مدل اول، کل تسهیلات اعتباری، به عنوان یکی از متغیرهای مستقل و در مدل دوم، دو نوع تسهیلات اعتباری، یعنی تسهیلات خدمات فنی و اعتباری و تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین به عنوان متغیرهای مستقل وارد مدل شده‌اند. متغیر وابسته در هر دو مدل، میزان اشتغال طی سال‌های مورد نظر به عنوان تابعی از متغیرهای مستقل اعلام شده می‌باشد. آمار و اطلاعات مربوط به بخش تعاون و حساب‌های اقتصادی آن از طرح آمارگیری کارگاه‌های صنعتی کشور توسط مرکز آمار ایران گرفته شده که توسط معاونت برنامه‌ریزی و مطالعات اقتصادی، دفتر آمار و فناوری اطلاعات وزارت تعاون انتشار یافته است (وزارت تعاون، ۱۳۹۰).

همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های قیمتی که توسط آن شاخصها متغیرهای اسمی تبدیل به متغیرهای حقیقی شده‌اند، از آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران در قالب سالنامه‌های آماری دوره مورد بررسی استخراج شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹).

هر دو مدل به کار رفته در این تحقیق بر اساس تابع تولید کشش جانشینی ثابت^۱ (CES) شکل گرفته و دلیل انتخاب تابع مذکور، محدودیت‌های کم این تابع تولید نظیر همگن بودن با درجات مختلف و کشش‌های مختلف جانشینی عوامل تولید است. در این مطالعه، ابتدا تابع هزینه از تابع تولید، استخراج شده و سپس از روش لم شفارد (نیکلسون و اشنايدر، ۱۳۸۸) تابع تقاضای نیروی کار استخراج گردید. تابع تولید باکشش جانشینی ثابت به شکل رابطه (۲) است.

در این رابطه، Q نشان دهنده تولید، L نشان دهنده نیروی کار، K نشان دهنده حجم سرمایه، H نشان دهنده درجه همگنی تابع و $\frac{1}{1+\beta}$ نشان دهنده کشش جانشینی عوامل تولید می‌باشد.

$$Q = A [\alpha L^{-\beta} + (1 - \alpha)K^{-\beta}]^{-\frac{1}{\beta}} \quad (2)$$

با استخراج L و K از تابع تولید و سپس جایگذاری آن دو متغیر در رابطه (۲)، تابع هزینه کل طبق رابطه (۳) به دست می‌آید (همان).

$$C = W \left[\frac{Q^{-\beta}}{\alpha A^{-\beta}} - \frac{(1-\alpha)K^{-\beta}}{\alpha} \right]^{-\frac{1}{\beta}} + R \left[\frac{Q^{-\beta}}{A^{-\beta}(1-\alpha)} - \frac{\alpha L^{-\beta}}{(1-\alpha)} \right]^{-\frac{1}{\beta}} \quad (3)$$

1. Constant elasticity substitution

برای به دست آوردن تابع تقاضای نیروی کار می‌توان از تابع هزینه کل استفاده نمود. در این راستا باید از لم شفارد استفاده گردد. تئوری شفارد بیان می‌دارد که مشتق جزئی مرتبه اول تابع هزینه نسبت به قیمت هر کدام از عوامل تولید بیانگر توابع تقاضای مقید عوامل تولید می‌باشد (امامی میبیدی، ۱۳۸۴). بنابراین با استفاده از لم شفارد خواهیم داشت:

$$L^d: \frac{\partial C}{\partial W} = \left[\frac{Q \frac{-\beta}{A H \alpha}}{\frac{-\beta}{A H \alpha}} - \frac{(1-\alpha)K^{-\beta}}{\alpha} \right]^{-\frac{1}{\beta}} \quad (۴)$$

از آنجا که رابطه (۴) یک رابطه غیر خطی است، این مدل را نمی‌توان از روش حداقل مربعات تخمین زد، لذا برای تبدیل رابطه (۴) به یک رابطه خطی با استفاده از لگاریتم خواهیم داشت:

$$\ln L = -\frac{1}{\beta} \left[-\frac{\beta}{H} \ln Q + \frac{\beta}{H} \ln A - \ln \frac{(1-\alpha)}{\alpha} - \beta \ln K \right] \quad (۵)$$

$$\ln L = \frac{1}{H} \ln Q - \frac{1}{H} \ln A + \frac{1}{\beta} \ln \frac{(1-\alpha)}{\alpha} + \ln K \quad (۶)$$

می‌دانیم که:

$$Q \equiv APL \cdot L \quad (۷)$$

بنابراین خواهیم داشت:

$$\ln L = \frac{1}{H} \ln APL + \frac{1}{H} \ln L - \frac{1}{H} \ln A + \frac{1}{\beta} \ln \frac{(1-\alpha)}{\alpha} + \ln K \quad (۸)$$

$$\ln L - \frac{1}{H} \ln L = \frac{1}{H} \ln APL + \frac{1}{H} \ln A + \frac{1}{\beta} \ln \frac{(1-\alpha)}{\alpha} + \ln K \quad (۹)$$

$$\ln L = \frac{1}{H-1} \ln APL + \frac{1}{(H-1)} \ln A + \frac{H}{\beta(H-1)} \ln \frac{(1-\alpha)}{\alpha} + \frac{H}{1-H} \ln K \quad (۱۰)$$

با توجه به روابط (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) تابع تقاضای نیروی کار طبق معادله (۱۴) به دست می‌آید.

$$\beta_0 = \frac{1}{(H-1)} \ln A + \frac{H}{\beta(H-1)} \ln \frac{(1-\alpha)}{\alpha} \quad (۱۱)$$

$$\beta_1 = \frac{1}{H-1} \quad (۱۲)$$

$$\beta_2 = \frac{H}{1-H} \quad (۱۳)$$

$$\ln L = \beta_0 + \beta_1 \ln APL + \beta_2 \ln K \quad (۱۴)$$

تسهیلات اعتباری، بخشی از سرمایه بنگاه نوعی را تشکیل می‌دهد و تزریق وام و اعتبار به جریان تولید به صورت سرمایه در گردش، باعث افزایش اشتغال می‌شود. همچنین یکی از عوامل مؤثر و مهم در تقاضای نیروی کار، متغیر دستمزد است که انتظار می‌رود رابطه معکوس با اشتغال داشته باشد. بنابراین می‌توان مدل ترکیبی اول را به شکل رابطه (۱۵) تشکیل داد؛ که در آن L نمایانگر اشتغال، APL تولید متوسط نیروی کار، CR تسهیلات اعتباری، W دستمزد و K حجم سرمایه است.

$$\ln (L_{it}) = \beta_0 + \beta_1 \ln (APL_{it}) + \beta_2 \ln (K_{it}) + \beta_3 \ln (CR_{it}) + \beta_4 \ln (W_{it}) + \mu_{it} \quad (۱۵)$$

مأخذ آماری متغیرهای میزان اشتغال (L)، حجم سرمایه (K)، دستمزد (W)، حجم تولید (Q) و

تسهیلات اعتباری و انواع آن (CR) برای تمامی سالها از حسابهای اقتصادی بخش تعاون، طرح آمارگیری کارگاه‌های صنعتی مرکز آمار ایران می‌باشد. برای محاسبه تولید متوسط نیروی کار (APL)، از نسبت تولید به اشتغال و برای حقیقی سازی داده‌ها از شاخص قیمتی مربوط به بهای کالا و خدمات مصرفی در نقاط شهری بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳ و مندرج در سالنامه‌های آماری استفاده شد.

در رابطه (۱۵) همچنین ضرایب β_1 و β_2 به ترتیب نشان دهنده کشش اشتغال به بهره‌وری نیروی کار با انتظار علامت منفی برای آن و کشش اشتغال نسبت به حجم سرمایه با انتظار علامت مثبت برای آن هستند. ضریب β_3 نیز به عنوان مهمترین ضریب با انتظار علامت مثبت، نشان دهنده کشش اشتغال نسبت به تسهیلات اعتباری در مدل اول است. ضریب β_4 نشانگر کشش اشتغال نسبت به دستمزد با پیش بینی علامت منفی برای آن می‌باشد. پس از تفکیک متغیر تسهیلات اعتباری به اجزای آن، مدل دوم تحقیق به صورت رابطه (۱۶) بیان می‌گردد، که در آن متغیر CREN بیانگر تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین تحت پوشش تعاونی‌های صنعتی و متغیر CRTE بیانگر تسهیلات خدمات فنی و اعتباری است.

$$\ln(L_{it}) = \beta_0 + \beta_1 \ln(APL_{it}) + \beta_2 \ln(K_{it}) + \beta_3 \ln(CREN_{it}) + \beta_4 \ln(CRTE_{it}) + \beta_5 \ln(W_{it}) + \mu_{it} \quad (16)$$

لازم به اشاره است که در برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی کشور، طرح کمک به بنگاه‌های تعاونی صنعتی کشور در قالب تسهیلات خدمات فنی و اعتباری به تصویب رسید. اعطای این تسهیلات در قالب سرمایه ثابت و سرمایه در گردش جهت اجرای طرح‌های تکمیلی و توسعه‌ای صورت می‌پذیرد که در بخش سرمایه ثابت دارای ۵ درصد یارانه است.

در این مطالعه، متغیر تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین شامل آن سری از تسهیلاتی است که بر اساس آئین نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های زود بازده و کارآفرین به بنگاه‌های دارای طرح‌های کارآفرینی در قالب شرکت‌های تعاونی، با هدف تخصیص بهینه منابع، توزیع عادلانه درآمد، افزایش توان تولید و صادرات غیر نفتی، اشتغال‌زایی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید تخصیص می‌یابد (وزارت تعاون، ۱۳۹۱). آمار و اطلاعات مربوط به متغیر تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین از طرح آمارگیری کارگاه‌های صنعتی کشور، بخش تعاون، منتشر شده توسط معاونت برنامه‌ریزی و مطالعات اقتصادی، دفتر آمار و فناوری اطلاعات وزارت تعاون جمع آوری شده است. بدیهی است که نتایج حاصل از این مطالعه صرفاً جهت بخش تعاونی‌های صنعتی کشور اعتبار دارد و جهت افزایش میزان اعتبار و قابلیت تعمیم پذیری آن به سایر بخشهای اقتصادی کشور نیاز به جمع‌آوری اطلاعات گسترده‌تر می‌باشد.

۵- یافته‌ها و نتایج

در ابتدا جهت معرفی داده‌ها و نمادهای مورد استفاده در این مطالعه، آمار توصیفی متغیرهای به کار رفته در تخمین مدل در جدول (۱) خلاصه شده است. بررسی روند شاخص‌های مربوط به تعاونی‌های بخش صنعت نشان داد که تغییرات چشمگیر و مستمری در زمینه تعداد پروانه بهره‌برداری و ایجاد اشتغال صنعتی در دوره اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده رخ داده است، به گونه‌ای که طی سال‌های مورد مطالعه نرخ بیکاری از کاهش نسبی برخوردار بوده است.

جدول ۱. آمار توصیفی و استانی متغیرهای مربوط به تعاونی‌های صنعتی

(ارقام به میلیون ریال)

متغیر	اشتغال (نفر)	حجم سرمایه	تولید متوسط نیروی کار	دستمزد متوسط	کل اعتبارات	کمک‌های فنی و خدمات اعتباراتی	اعتبارات بنگاه زود بازده و کارآفرین
نماد	L	K	APL	W	CR	CRTE	CREN
میانگین	۶۳۳/۱۴	۱۱۸۵/۸۹	۳۶۷/۱۴	۷۶/۳۶	۸۸/۳۷	۳۴/۰۸	۵۴/۲۹
انحراف معیار	۴۹۱/۵۸	۴۶/۲۶	۹۷/۶۳	۵۰/۰۵	۴۲/۰۴	۲۰/۱۵	۳۷/۷۸
تعداد مشاهدات	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰

منبع: گزارش‌های استانی وزارت تعاون (۱۳۹۰) و یافته‌های تحقیق

توجه: ارقام در جدول حقیقی شده‌اند.

در این مطالعه جهت تعیین ویژگی همگن بودن یا همگن نبودن مقاطع و انتخاب بین روش حداقل مربعات معمولی^۱ یا پانل، از آزمون F لیمر استفاده شد و نتایج آزمون در جدول (۲) انعکاس یافته است. مشاهده می‌گردد که در این آزمون فرض صفر مبنی بر همگنی مقاطع رد شده و لذا لازم است از روش پانل برای تخمین هر دو مدل استفاده شود. سپس از آزمون هاسمن برای تشخیص کاربرد اثرات ثابت و یا تصادفی در تخمین مدل با روش پانل استفاده و نتیجه آن در جدول (۲) منعکس شده است.

از آنجایی که آماره آزمون به دست آمده برای هر دو مدل از مقدار بحرانی آن در سطح اطمینان ۹۵ درصد بیشتر است، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد شده و فرض مقابل یعنی لزوم استفاده از اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. در مرحله بعد جهت پرهیز از به دست آوردن نتایج کاذب و به منظور بررسی وجود ناهمسانی واریانس، از آزمون نسبت حداکثر راستنمایی^(LR^۲) با توزیع کای

1. Pooling

2. Log likelihood ratio test

دو استفاده شد. بدیهی است که نادیده گرفتن نقض فرض همسانی واریانس در روند تخمین ممکن است منجر به نتیجه کاذب شود. همچنین از آنجایی که طول دوره مورد بررسی پنج سال است، از بررسی مساله مانایی صرف نظر می‌شود زیرا هنگام کوتاه بودن دوره زمانی، نگرانی درباره نامانایی متغیرها وجود ندارد (اشرف زاده و مهرگان، ۱۳۸۹).

نتایج به دست آمده از این آزمون که در جدول (۲) منعکس شده، حاکی از رد فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس‌ها برای هر دو مدل است. بنابراین لازم است تا با استفاده از روش‌های مناسب، ناهمسانی واریانس را برطرف نمود. در این مطالعه، برای رفع این مشکل و تخمین مناسب تر مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)^۱ جهت برآورد مدل استفاده شد.

جدول ۲. نتایج آزمون F لیمر، آزمون هاسمن و آزمون LR

مدل اول	مدل دوم	نوع آزمون
۳۲۹/۲۴ (۰/۰۰)	۳۳۲/۲۶۰۴ (۰/۰۰)	آماره F لیمر
۱۷/۰۴ (۰/۰۰)	۱۵/۹۵ (۰/۰۰)	آماره هاسمن
۹۲/۵۵ (۰/۰۰)	۱۲۲/۱۳ (۰/۰۰)	آماره LR
پانل دیتا، اثرات ثابت و ناهمسانی واریانس	پانل دیتا، اثرات ثابت و ناهمسانی واریانس	وضعیت برآورد

منبع: یافته‌های تحقیق

توجه: اعداد داخل پرانتز نشان دهنده احتمال در سطح معنی داری ۵٪ است.

از آنجایی که تمامی متغیرهایی که به شکل واحدهای پولی بیان می‌شوند جزو متغیرهایی اسمی هستند و احتمال به دست آوردن نتایج کاذب درباره تأثیر متغیرهای مستقل روی متغیر وابسته وجود دارد، بنابراین با استفاده از شاخص قیمتی مربوط به بهای کالا و خدمات مصرفی در نقاط شهری و بر اساس سال پایه ۱۳۸۳، متغیرهای اسمی مدل تخمین تورم زدایی و تبدیل به متغیرهای حقیقی شدند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹).

1 Generalized least Squared

۱-۵- برآورد مدل اول

براساس نتایج به دست آمده از تخمین مدل (رابطه ۱۵) که خلاصه آن در جدول (۳) آمده، ضریب متغیر کل تسهیلات اعتباری به لحاظ آماری در سطح احتمال ۵ درصد معنی‌دار است. در واقع ضریب به دست آمده نشان دهنده تأثیر مثبت و معنی‌دار تسهیلات اعتباری بر سطح اشتغال در تعاونی‌های صنعتی کشور طی دوره مورد بررسی است. با توجه به شکل لگاریتمی مدل، ضرایب به دست آمده نشان دهنده کشش میزان اشتغال نسبت به هر کدام از متغیرهای مستقل در مدل است. لذا می‌توان گفت که یک درصد افزایش در میزان تسهیلات اعتباری توانسته است اشتغال را به میزان ۰/۰۷ درصد طی دوره بررسی افزایش دهد.

همچنین متغیرهای حجم سرمایه و تولید متوسط نیروی کار به ترتیب با اثر مثبت و منفی بر میزان اشتغال در سطح احتمال ۵ درصد معنی‌دار هستند. ضریب لگاریتم حجم سرمایه (۰/۷۱) به دست آمده، نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در حجم سرمایه تعاونی‌های صنعتی کشور، اشتغال را به میزان ۰/۱ درصد طی دوره بررسی افزایش داده است.

ضریب لگاریتم تولید متوسط نیروی کار (۰/۰۷-) نیز نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در تولید متوسط نیروی کار تعاونی‌های صنعتی کشور منجر به کاهش ۰/۰۷ درصدی در اشتغال طی دوره بررسی شده است.

ضریب به دست آمده برای متغیر دستمزد، نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در دستمزد پرداختی، اشتغال را ۰/۱۵- درصد کاهش می‌دهد. آماره ضریب تعیین (R-Squared) و دوربین واتسون (D.W) در تخمین مدل اول به ترتیب برابر با ۰/۹۷ و ۱/۸ به دست آمدند که نشان دهنده قدرت توضیح دهنده بالایی مدل و عدم وجود خودهمبستگی است. همچنین آماره F به دست آمده که معادل ۱۲۲/۱۵ است، معناداری کل رگرسیون را نشان می‌دهد.

۲-۵- برآورد مدل دوم

در این مدل اثر تسهیلات اعتباری کمک‌های فنی و اعتباری و تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین بر اشتغال تعاونی‌های صنعتی ایران مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج به دست آمده از برآورد مدل مشخص گردید که در سطح معنی‌داری ۵ درصد، متغیر لگاریتم حجم سرمایه با ضریب ۰/۷۸ اثر مثبت و متغیر لگاریتم تولید متوسط نیروی کار با ضریب ۰/۰۶- اثر منفی بر اشتغال تعاونی‌های صنعتی کشور طی دوره بررسی داشته است. همچنین با توجه به شکل لگاریتمی مدل، کشش اشتغال در تعاونی‌های صنعتی کشور نسبت به متغیر حجم سرمایه برابر ۰/۷۸ و نسبت به متغیر تولید متوسط نیروی کار برابر ۰/۰۶- به دست آمد.

نتایج همچنین نشان دادند که کشش اشتغال نسبت به تسهیلات خدمات فنی و اعتباری و تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین، به ترتیب برابر ۰/۱ و ۰/۰۵ هستند. ضریب به دست آمده برای متغیر دستمزد، نیز نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در دستمزد پرداختی، اشتغال را ۰/۱۷- درصد کاهش می‌دهد. آماره ضریب تعیین (R-Squared) و دوربین واتسون (D.W) در تخمین مدل دوم به ترتیب برابر ۰/۹۷ و ۱/۸۲ به دست آمدند که نشان دهنده قدرت توضیح دهنده بالایی مدل و عدم وجود خودهمبستگی است. همچنین آماره F به دست آمده که معادل ۱۳۵/۷۱ است، معناداری کل رگرسیون را نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج برآورد و تخمین مدل‌های اندازه‌گیری

متغیر	مدل اول	مدل دوم
C	۱/۵۴ (۰/۶۵)	۰/۷۷ (۰/۳۴)
LN(K)	* ۰/۷۱ (۲/۱۴)	* ۰/۷۸ (۲/۴۷)
LN (APL)	* -۰/۰۷ (-۴/۸۳)	* -۰/۰۶ (-۴/۴۹)
LN (W)	* -۰/۱۵ (-۲/۳۸)	* -۰/۱۷ (-۲/۵۹)
LN (CR)	* ۰/۰۷ (۲/۳۴)	-
LN (CRTE)	-	* ۰/۱ (۳/۲۸)
LN (CREN)	-	* ۰/۰۵ (۲/۹۳)
تعداد مشاهدات	۱۵۰	۱۵۰
R-squared	۰/۹۷	۰/۹۷
Adjusted R-squared	۰/۹۶	۰/۹۶
D.W	۱/۸۰	۱/۸۲
F- Ststistic	* ۱۲۲/۱۵	* ۱۳۵/۷۱
	Prob : ۰/۰۰	Prob : ۰/۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

توجه: اعداد داخل پرانتز آماره t می‌باشند.

* به مفهوم معنی داری در سطح ۵٪ است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه‌های اقتصادی، تأمین اشتغال یکی از مهمترین الزامات رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه بوده و در زمره اهداف اساسی سیاستگذاران اقتصادی هر کشور قرار دارد. امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، مساله اشتغال‌زایی به یک معضل بسیار جدی برای اقتصاد جوامع تبدیل شده و دولتمردان را نه تنها در بعد اقتصادی بلکه در ابعاد اجتماعی و سیاسی بیکاری با چالش مهمی مواجه ساخته است.

پس از مطرح شدن نظریات اقتصادی کینز و دخالت دولت در اقتصاد که رشد و شکوفایی اقتصاد جوامع اروپایی از ثمرات آن به شمار می‌رود، حمایت دولت از بنگاه‌های اقتصادی در راستای فعالیت‌های اشتغال‌زا اهمیت فراوانی پیدا کرده است. یکی از متداول‌ترین راه‌های حمایت از بنگاه‌های اقتصادی، ارائه تسهیلات اعتباری به صاحبان بنگاه‌های اقتصادی از جمله تعاونی‌ها در جهت فراهم‌آوری اشتغال پایدار و جلوگیری از تخریب شغل‌های موجود است.

- مطالعه حاضر با هدف بررسی اثر تسهیلات خدمات فنی و اعتباری و تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین بر اشتغال تعاونی‌های صنعتی کشور صورت پذیرفت. نتایج حاصل از مطالعه نیز با یافته‌های مربوط به مطالعات انجام شده در قبل قابل مقایسه بوده و در رابطه با نقش تسهیلات اعتباری بر اشتغال، با نتایج گرفته شده از مطالعه برگس و پاند (۲۰۰۲)، بختیاری و پاسبان (۱۳۸۳)، حسن زاده و همکاران (۱۳۸۵) و یعقوبی (۱۳۸۴) منطبق است.

این مطالعه نشان داد که متغیر حجم سرمایه دارای تأثیر مثبت و متغیر تولید متوسط نیروی کار دارای تأثیر منفی و به لحاظ آماری معنادار بر اشتغال تعاونی‌های صنعتی ایران طی دوره مورد مطالعه داشته است. در اکثر موارد اثر مکملی عوامل تولید از اثر جانشینی عوامل بیشتر است. از این رو انتظار بر این است که افزایش حجم سرمایه به عنوان یک عامل تولیدی که نقش محوری در بخش صنایع را دارد، میزان اشتغال را افزایش دهد. ضریب به دست آمده برای متغیر حجم سرمایه در هر دو مدل حاکی از اثر مثبت افزایش حجم سرمایه بر اشتغال است. ضریب به دست آمده برای این متغیر در مدل اول و دوم به ترتیب برابر ۰/۷۱ و ۰/۷۸ بوده است.

- طبق الگوی کارگران داخل گود - خارج گود، انتظار می‌رفت که یک رابطه منفی بین تولید متوسط نیروی کار و اشتغال در تعاونی‌های صنعتی کشور برقرار باشد، چراکه با افزایش بهره‌وری نیروی کار کارگران داخل گود، بنگاه‌ها تمایل کمتری برای جذب نیروی کار بیرون گود با بهره‌وری کمتر دارند. ضریب به دست آمده برای این متغیر در مدل اول و دوم که به ترتیب برابر با مقادیر ۰/۰۷ و ۰/۰۶ - هستند که تأیید کننده این فرضیه می‌باشد.

- در فرایند تولید، تا حدودی می‌توان عوامل تولید را جانشین یکدیگر نمود. از این رو با افزایش

قیمت یک عامل تولیدی، تقاضا برای آن عامل تولید کاهش پیدا کرده و عامل جانشین بیشتر استخدام خواهد شد. به طوری که اگر مدل‌های افراطی عرضه و تقاضای نیروی کار، کنار گذاشته شود و مدل عمومی مد نظر قرار گیرد، می‌توان انتظار داشت که یک رابطه معکوس بین دستمزد حقیقی و اشتغال برقرار باشد. ضرایب به دست آمده برای این متغیر در مدل اول (۰/۱۵-) و در مدل دوم (۰/۱۷-) آن را تأیید نموده و حاکی از اثر معکوس متغیر دستمزد بر اشتغال در هر دو مدل است.

- نتایج همچنین نشان داد که به طور کلی سیاست اعطای تسهیلات اعتباری طی دوره مورد مطالعه، اثر معناداری بر اشتغال داشته است. البته ضریب کشش اشتغال نسبت به تسهیلات خدمات فنی و اعتباری برابر ۰/۱ و نسبت به تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین برابر ۰/۰۵ به دست آمد که در مقایسه، بیانگر اثر بیشتر تسهیلات خدمات فنی و اعتباری، بر روی اشتغال در تعاونی‌های صنعتی کشور نسبت به اعطای تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین طی دوره مورد مطالعه است. لذا حمایت‌های مالی از بنگاه‌های اقتصادی کشور، به شکل اعطای وام و تسهیلات اعتباری، عامل مهمی در ایجاد اشتغال در بخش تعاونی‌های صنعتی محسوب می‌گردد. البته افزایش سهم تسهیلات خدمات فنی و اعتباری نسبت به تسهیلات اعتباری بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین، در جهت اشتغال‌زایی در تعاونی‌های صنعتی کشور می‌تواند مؤثرتر واقع شود.

- لازم به ذکر است که این مطالعه با هدف بررسی اثر تسهیلات اعتباری بر اشتغال و استفاده از داده‌های مربوط به بخش تعاونی‌های صنعتی صورت گرفته و الزاماً نتایج آن قابلیت تعمیم به سایر بخش‌ها را ندارد.

منابع و مأخذ

- ازوجی، علاءالدین و امینی، علیرضا (۱۳۸۷) تحلیل و بررسی رابطه دستمزد و بهره وری نیروی کار در صنایع ایران: یک مدل خود همبسته با وقفه های توزیعی؛ پژوهش‌های اقتصادی ایران، زمستان ۱۲(۳۷): ۸۱-۱۰۵.
- اشرف زاده، حمید رضا و مهرگان، نادر (۱۳۸۹) اقتصاد سنجی پانل دیتا؛ تهران: مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران.
- آماده، حمید و کوپاهی، مجید (۱۳۸۰) تحلیل‌های اقتصادی الگوهای بخش تعاون؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۹.
- امامی میبیدی، علی (۱۳۸۴) اصول اندازه گیری کارایی و بهره‌وری (علمی و کاربردی)؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم.
- اونیره، ژ. (۱۳۴۹) گسترش تعاون، دگرگونی و گرایش‌های جنبش تعاون پس از جنگ جهانی اول؛ ترجمه یوسف قریب؛ انتشارات دانشگاه تهران.
- بختیاری، صادق و پاسبان، فاطمه (۱۳۸۳) نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت‌های شغلی: مطالعه موردی بانک کشاورزی ایران؛ اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۰۵-۷۳.
- حسن زاده، علی؛ ازوجی، علاءالدین و قویدل، صالح (۱۳۸۵) بررسی اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری درآمدی؛ مجله اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره ۱، صفحات ۶۹-۴۵.
- رستم نژاد، غلام رضا (۱۳۸۴) جایگاه ترویج در تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛ ماهنامه تعاون، شماره ۸۶.
- سعیدی، پرویز (۱۳۸۸) نقش تسهیلات (تکلیفی و غیر تکلیفی) بانک‌های تخصصی در رشد اقتصادی؛ مجله مدیریت صنعتی دانشگاه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال چهارم، شماره ۸، صفحات ۹۷-۱۱۰.
- شیرین بخش، شمس الله (۱۳۸۴) اثرات سیاست‌های پولی بر سرمایه‌گذاری و اشتغال؛ پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۷.
- فیض‌آبادی، حسین؛ بصیری، علیرضا و رجائی صدر، زینب (۱۳۸۸) بررسی و تحلیل ویژگی‌های تعاونی‌های برتر کشور در سال ۱۳۸۷؛ مجله تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۴ و ۲۰۵، صفحات ۱۴۵-۱۲۹.
- طیبه، سید کمیل؛ ساطعی، مهسا و صمیمی، پرینا (۱۳۸۹) تأثیر تسهیلات بانکی بر اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی ایران؛ فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۴، صفحات ۳۳-۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۹) سالنامه آماری کشور سال ۱۳۸۷؛ انتشارات مرکز آمار ایران.

- فایر بایرن، برت (۱۳۸۸) نهضت‌های اجتماعی و شرکتهای تعاونی: اشاره ای به تاریخچه و توسعه این شرکتهای؛ ترجمه حامد محمدی؛ تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۲ و ۲۰۳.
- موسوی، سید نعمت‌الله؛ جباری، مظفر و فرج زاده، ذکریا (۱۳۹۰) تحلیل اثر تعاونی‌های دامداران بر ایجاد اشتغال و تولید در استان فارس: کاربرد رهیافت رگرسیون خطی فازی، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، شماره ۲.
- ناظمی، شمس‌الدین؛ فیاضی، مرجان و نوری، علی (۱۳۸۸) بررسی و ابعاد و نتایج کمک‌های دولت به تعاونی‌های تولیدی (مورد مطالعه: تعاونی‌های تولیدی استان خراسان رضوی)؛ پژوهش‌نامه مدیریت تحول، سال اول، شماره ۲، صفحات ۱۵۳-۱۳۲.
- نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۸۸) تجربیات جهانی در زمینه نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر و اشتغال زایی؛ ماهنامه تعاون، سال بیستم، شماره‌های ۲۰۶ و ۲۰۷، صفحات ۲۰-۱.
- نیکلسون، والتر و اسنایدر، کریستوفر (۱۳۸۸) نظریه اقتصاد خرد؛ اصول اساسی و بسط مفاهیم؛ ترجمه دادود بهبودی و سیاب ممی پور؛ جلد اول، انتشارات نورعلم، چاپ اول، صص ۵۳۳-۵۳۰.
- وزارت تعاون (۱۳۹۰) آمار و نماگرهای منتخب جمعیت، اشتغال و بیکاری؛ معاونت برنامه ریزی و مطالعات اقتصادی، دفتر آمار و فناوری اطلاعات.
- وزارت تعاون (۱۳۹۱) آئین‌نامه بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین، مصوبه هیأت وزیران برای بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین، اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- یعقوبی، جعفر (۱۳۸۴) بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال (زنان روستایی استان زنجان)؛ مجله پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، صفحه ۱۴۶-۱۲۵.
- Brown, J. D., Earle, J. S. and Lup, D. (2005) What makes small firms grow?; Finance, Human Capital, Technical Assistance, and the Business Environment in Romania, Economic Development and Cultural Change, No. 54, pp: 33-70.
- Burgess, R. and Pande, R. (2002) Do rural banks matter? Evidence from the Indian social banking experiment; development economics discussion paper, Suntory and Toyota International Centers for Economics and Related Disciplines, pp: 27-43.
- Dudley, W. C. and Hubbard, G. R. (2004) How capital markets enhance economic performance and facilitate job creation; Global Markets Institute, Goldman, Sachs & Co. <http://www0.gsb.columbia.edu/faculty/ghubbard/Articles>
- Gagliardi, F. (2009) Financial development and the growth of cooperative firms; Springer, Vol. 32(4), pp: 439-464.
- Gottfries, N. (1992) Insiders, Outsiders, and Nominal Wage Contracts; Journal of Political Economy 100: 252-270.

- Gubert, F and Roubaud, F. (2011). The impact of microfinance loans on small informal enterprises in Madagascar: A Panel Data Analysis, international institute of social studies.
- Oswald, Andrew J. (1993). "Efficient contracts are on the labor demand curve: Theory and facts," *Labor Economics*, Elsevier, vol. 1(1), pages 85-113, June.
- Panicos, D. Jun, D., Sourafel, G. and Chengang, X. (2008). "Dose the Chinese banking system promote the growth of firms?", *world economy & finance research programme*, pp: 157.
- Sabagh Kermani, M. and Agheli, L.(2005). "Justification of cooperatives promotion plans and its position in chapter 3 economic developments", *Journal of Social Science Modares*, Vol. 8, No 2, pp: 127-148.
- Santamaria, I., Gil, A. and Modrego, A. (2010). "Public selection and financing of R&D cooperative projects: credit versus subsidy funding", *Journal of Elsevier, Research policy*, Vol. 39, pp: 549-563.
- Thuvachote, S.(2011). "Cooperatives and poverty reduction in Thailand", *International conference on economics, Business and Management*, vol. 22, pp 1-6.

